

گنوماته

پیربریان

ترجمه اکبر جاودانی *

بنا بر سنگ نوشته بیستون، منی مدعی، با این ادعا که بردیا (اسمردیس) پسر کورش بزرگ است تاج و تخت هخامنشی را به دست گرفت. در طول حکومت هخامنشیان، هیچ رویدادی به اندازه دوره گذار قدرت از کمبوجیه به داریوش اول (۵۲۲ ق.م.) مستند و بحث برانگیز نبوده است. داریوش اول مدت کوتاهی پس از نشستن بر تخت پادشاهی و کسب پیروزی های بزرگ در آغاز فرمانروایی (سرکوب شورش های آغاز پادشاهی) روایت رسمی را بر صخره بیستون به سه زبان (عیلامی، فارسی باستان، بابلی) نگاشت و به همه زبانهای شاهنشاهی منتشر کرد (یک روایت ناقص آرامی در پشت پاپیروسی از جزیره الفانتین در مصر به دست آمده است که تاریخ آن به دوره داریوش دوم بر می گردد). به گفته داریوش، کمبوجیه برادر خود بردیا را کشته و مرگ او را پنهان کرده بود. هنگامی که کمبوجیه سفر نظامی خود را به مصر آغاز کرد (۵۲۲ ق.م.) شورش (دروغ: drauga) در پارس، ماد و دیگر کشورها گسترش یافت. در چنین شرایطی مردی (— martiya) مغ (magu) به نام گنوماته کودتایی را در پارس طراحی کرد و مدعی شد که بردیا پسر کورش و برادر کمبوجیه است. گنوماته به پشتیبانان شماری از پشتیبانان خود پادشاهی (xsaca) را به دست گرفت و هنگامی که کمبوجیه در ژوییه (۵۲۲ ق.م.) در گذشت، فرمانروایی خود را با کمترین مخالفت ها ادامه داد. فارغ از برخی مشکلات نظامی و توپوگرافیکی، مسأله مشهور و مناقشه برانگیز مربوط به تفسیر چهاردهمین پارگراف سنگ

* دانشجوی کارشناسی ارشد ایران باستان دانشگاه تهران
برای آگاهی بیشتر در باره سنگ نوشته بیستون نگاه کنید به:

I. DBI.26-60

Kent, Roland G, Old Persian, American oriental society, New Haven, Connecticut, 1953, DB I.26-60.

شارپ، رلف نارمن. (۱۳۸۲). *فرمان های شاهنشاهان هخامنشی*. چاپ اول، تهران: پازینه؛ سنگ نوشته بیستون، ستون اول، بند ۲۶-۶۰.

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۹/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۱۰/۱۰

نوشته بیستون است که دشواری هایی را ایجاد می کند.^۱ داریوش در این پاراگراف با نسبت دادن کارهایی مانند تخریب پرستشگاه ها و مصادره اموال کار (مردم؟ سپاه؟ اشراف؟) نک. ادامه متن) چرا گاهها، گله ها، کارگران و خانه ها و زمین ها (maniyamca: viθbisca: abicaris: gaiθamca)

به غضب، وی را به برهم زدن توازن جامعه و پادشاهی متهم می کند. داریوش با بزرگ نمایی از رهبری شورش بر ضد غاصبی سخن می گوید که اندک زمانی بعد در دژی در ناحیه نسا در ماد از میان برداشته شد.^۲ در پاراگراف بعدی شاه جدید نام شش تن از بزرگانی را که به او یاری رسانده اند ذکر می کند. داریوش در سنگ نوشته بیستون می گوید که به لطف اهورا مزدا پادشاهی را به جایگاه خویش برگردانده است و نهمین شاه از خاندان شاهی است که هخامنش آن را پایه گذاری کرده است.^۳

از آنجا که ترجمه محتوای سنگ نوشته بیستون به زبانهای بسیاری در همه سرزمین های شاهنشاهی انتشار یافته، این داستان محبوبیت بسیاری در دوران باستان به دست آورده است. در میان نویسندگان باستانی تنها یوستینوس نام کومتس cometes را برای نام گئوماته به کار می برد.^۴

طولانی ترین و مفصل ترین روایت از آن هرودوت است که غاصب را اسمردیس می نامد و همانند داریوش او را مغی معرفی می کند که با همکاری برادر خود پتی زئیتس، که او هم مغی است تاج و تخت شاهی را به دست آورده است. شباهت های بسیاری میان سنگ نوشته بیستون و گزارش های هرودوت وجود دارد،^۵ از جمله راز قتل برادر کمبوجیه، سفر نظامی کمبوجیه به مصر، غضب تاج و تخت توسط اسمردیس دروغین، از میان برداشته شدن او به توطئه هفت تن از بزرگان و سرانجام دست یابی داریوش پسر

1- DB II .61 -70.

2- DB I V. 80-86.

3- DB I.3-11, 68-71.

4- Justin ,1.9.7.

برای ترجمه فارسی نگاه کنید به: هرودوت. (۱۳۸۱). تاریخ هرودوت. ترجمه هادی هدایتی، ج ۴، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، بند ۶۱-۷۹.

5- Herodotus,3.61-79.

هیستاسپس (ویشتاسپ) به تاج و تخت پادشاهی. در روایت هرودوت، فهرست نامهای هفت تن از بزرگان به جز یکی از آنان با نامهای نگاشته شده در سنگ نوشته بیستون یکسان است. نکات متفاوت میان گزارشهای یاد شده زمانی ارزشمند و مهم به شمار می آیند که هرودوت در توطئه علیه گنوماته، نقش محوری را به اوتانه (اوتانس) می دهد. همچنین وی شورش اسمردیس دروغین را یک شورش «مادی» معرفی می کند. بنا براین اسمردیس دروغین نه تنها «مغ» بلکه «مادی» نیز خوانده شده است.^۱ بنا به نوشته هرودوت، به نظر می رسد غاصب درصدد احیای برتری مادها بر پارس ها بوده است (گفته های کمبوجیه در بستر مرگ).^۲ همچنین هرودوت می گوید که همه مردم آسیا به جز پارسیان از مرگ اسمردیس دروغین متأثر و غمگین شدند به این دلیل که او معافیت های سه ساله خدمت نظام و پرداخت مالیات را بر مردم شاهنشاهی اعلام کرد.^۳ (این گزارش توسط یوستینوس نیز گزارش شده است).^۴

حاصل مقایسه روایتهای نویسندگان باستانی متعدد (هرودوت، کتزیاس، یوستینوس، آیسخیلوس و...) نکته چندان متفاوتی را نشان نمی دهد. فهرستی کلی از شباهت ها و تفاوت های میان گزارش هرودوت و سنگ نوشته بیستون، ما را به نتایج مطمئن و قابل اعتمادی نخواهد رساند، زیرا مورخان نسبت به هر دو گزارش تردید دارند. آشکار است داریوش بسیار علاقمند بوده است که گنوماته را به عنوان غاصب و ویرانگر سنت ها معرفی کند تا بدین وسیله بنیادی ترین ادعای خود را که توسط اهورامزدا راهنمایی و پشتیبانی شده و همچنین تنها خلف مشروع یک پادشاهی دراز مدت و جانشینی دودمانی است به اثبات برساند.

همچنین نگاه کنید به: همان، جلد ۳، بند ۷۳.

1- Idem , 3.73.

همان ، جلد ۳، بند ۶۵.

2- Idem , 3. 65.

3- Idem , 30670.

4- Justin ,1.9.12.

گنوماته در متون فارسی باستان و عیلامی به عنوان یک مغ توصیف شده است (مگوش، مکوش در عیلامی)، اما در روایت بابلی از او به عنوان «مردی از ماد» یاد شده است. آیا می توان این نتیجه را فرض کرد که گزارش یاد شده اعتبار روایت هرودوت را درباره ارتباط «مادی» بودن شورش گنوماته افزایش می دهد؟ به نظر می رسد این نتیجه مورد تأیید واقع نشده است.^۱

تنها امر مسلم این است که الواح بابلی حکومت چند ماهه بردیه/ برزیه را که به طور رسمی در مقام شاه فرمانروایی کرده است مورد تأیید قرار می دهند. آنچه تعدادی از مورخان را برای مدت طولانی به پذیرش فرضیه بردیا برادر کمبوجیه واداشت، وجود برخی موارد ضد و نقیض و غیر محتمل در روایت داریوش و همچنین ابهام در بخش هایی از این روایت بوده است، همان گونه که همه شاهانی که با زور به قدرت می رسند ادعا دارند که نظم را در جامعه برقرار کرده اند و به یک غاصب مبهم و ناشناخته می پردازند که سنت های اجتماعی، مذهبی و اخلاقی را ویران کرده است. به عبارتی دیگر، برای داریوش که حقوق ویژه ای برای تصاحب تاج و تخت شاهی نداشت، حیاتی و ضروری بود تا شخصیتی نکوهیده (گنوماته) را که کارهایش برضد خدایان و مردم بود پدید آورد.

برخی مورخان کوشیده اند این رویداد را یک دگرگونی خشونت بار در موازنه قدرت در درون طبقه حاکم تفسیر کنند، به گونه ای که به بازگشت حکومت آریستوکراسی (اشرافیت) منجر شد. این امر در کوتاه مدت قدرت یابی داریوش را به دنبال داشت و در درازمدت از پیدایش یک دولت متمرکز جلوگیری کرد. اما پذیرفتن چنین فرضیه ای دشوار است،^۲ زیرا چنین استنباطی بیش از همه بر پایه روایت هرودوت و همچنین یک همانندی ساختگی بین گزارش های هرودوت و سنگ نوشته بیستون استوار شده است. هرودوت می گوید که هر یک از توطئه گران پیش از انجام گزینش نهایی پادشاه سوگند یاد کرده بودند که در صورت تصاحب پادشاهی، امتیازات فراوانی به افراد دیگر ببخشند. گذشته از این، هرودوت عادت دارد که به طور مکرر درباره پاراگراف چهارده از سنگ نوشته بیستون توضیح دهد. در نتیجه یک روش شناسی بحث برانگیز، گفته شده واژه کارا Kara به معنای «اشراف و

1. Schmitt , p 110. بنگرید به

2. Briant , 1996 , Chaps 3-4. بنگرید به

نجبا» است که از این رو می‌تواند در بردارندهٔ این باشد که بردیا در جهت تحدید قدرت نجبا و اشراف با آنها جنگیده ولی داریوش در برگرداندن آنها به قدرت مبادرت ورزیده است. واقعیت این است که اصطلاح کار Kāra معنای نسبتاً مبهمی دارد چون هم به معنای «مردم» است و هم «سپاه». واژگانی نیز که نگارندگان عیلامی و بابلی به کار برده اند نیز چنین معانی دارند زیرا اصطلاح های «تشوپ» tassup و «اوغو» uqu نیز مانند اصطلاح کار مبهم است و به مردم / سپاه در مفهوم اجتماعی نامشخص «مردم» اطلاق می‌شود، مانند واژه های plethos در زبان یونانی و populus در زبان لاتینی. علاوه بر این به سادگی قابل مشاهده است که داریوش و اخلافش چنین امتیازهایی را هرگز به خاندان های اشراف بزرگ نبخشیدند. در واقع شاه به عنوان صدر همگنان و هفت خاندان بزرگ نیرومند دو روی یک چنین افسانهٔ تاریخی هستند. اگر چه نابودی بردیا (گنوماتای ساختگی داریوش) راه را برای یک «بیگانه» (داریوش) در جهت کسب قدرت هموار کرد، اما پادشاهی کوتاه او وقفه‌ای در تاریخ سیاسی هخامنشی به شمار نمی‌آید. بردیا به اندازهٔ پدر (کوروش) و برادر خود (کمبوجیه) به اشرافیت پارسی متکی بود، تنها گروه اندکی از پارسیان علیه او با داریوش متحد شدند. بردیا در دورهٔ فرمانروایی ناپایدار (بیت غشتو در روایت بابلی) خود با اعمال سیاست مصادرهٔ زمین، منافع این اشراف شورش را مورد هدف قرار داد. در پرتو این فرضیه می‌توان گفت که در برابر تاریخ طولانی شاهنشاهی هخامنشی که برادران و پسران متعددی از دودمان شاهی در جهت غصب تاج و تخت تلاش های زیادی کردند، «مورد گنوماته» بیش از اندازه پیش پا افتاده به نظر می‌رسد. گنوماته به این دلیل به عنوان یک «چهره تاریخی» در سنگ نوشتهٔ بیستون و سرزمین های شاهنشاهی معرفی شده است تا داریوش بتواند اذهان را تحریف و دستکاری کند.

کتابنامه

- 1- J. Balcer , Herodotus and Bisotun , Wiesbaden , 1987.
- 2- E. Bickerman and H. Tadmor , "Darius I , Pseudo - Smerdis and the Magi" Athenaeum 56 , 1978 , pp 238-61.
- 3- P. Briant , Darius , Les Perses et L empire , Paris , 1992.
- 4- Idem , Histoire de L empire perse: de Cyrus a Alexandre , Paris, 1996.
برای ترجمه فارسی نگاه کنید به: بریان، پیر. (۱۳۸۱). *امپراتوری هخامنشی*. جلد ۱ و ۲. ترجمه ناهید فروغان. تهران: نشر فروزان روز - نشر قطره.
- 5- M.A. Dandamaev , Persien unter den ersten Achaemeniden (6. jahrhundert v. Chr.), tr. H.-D. Pohl, Wiesbaden, 1976.
برای ترجمه فارسی نگاه کنید به: داندامایف، آ. محمد. (۱۳۷۳). *ایران در دوران نخستین شاهان هخامنشی*. ترجمه روحی ارباب. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- 6- Idem , A political History of the Achaemenid empire , tr. W. J. Vogelsang , Leiden, 1989.
برای ترجمه فارسی نگاه کنید به: داندامایف، آ. محمد. (۱۳۸۱). *تاریخ سیاسی هخامنشیان*. ترجمه خشایار بهاری، تهران: کارنگ.
- 7- H. Koch , Achaemeniden-studien , Wiesbaden, 1993, pp. 49-58.
برای ترجمه فارسی نگاه کنید به: کخ، هاید ماری. (۱۳۷۹). *پژوهش های هخامنشی*. ترجمه امیر حسین شالچی، تهران: نشر آتیه.
- 8- R. Schmitt, "Zur babylonischen version der Bisutun-Inschrift" , Archiv fur Orientforschung 27 , 1980, pp106-26.